

استاد اقتصاد دانشگاه تهران:

بن‌بست فعلی، نتیجه سیاست تعدیل ساختاری است



سیاست‌های اقتصادی تعدیل ساختاری با پایان جنگ تحمیلی، پای ثابت سیاست‌گذاری‌های اقتصادی در تمام دولت‌های ایران شد. این سیاست که به نوعی مبتنی بر توصیه‌های نهادهای بین‌المللی همچون بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول بود، با هدف کوچک کردن هر چه بیشتر دولت‌ها و آزادسازی اقتصاد شکل می‌گیرد اما تجربه ایرانی آن در تمامی این سال‌ها در کشور، نه تنها با وجود خصوصی‌سازی بسیاری از شرکت‌های دولتی به کوچک شدن دولت منجر نشده است، بلکه آمار نشان می‌دهد که حجم دولت در این سال‌ها که حدود نیمی از تولید ناخالص داخلی کشور بود، امروزه به بالای ۸۰ تا ۹۰ درصد رسیده است.

«حسن سبحانی» استاد اقتصاد دانشگاه تهران که مدتی نیز نمایندگی مجلس را تجربه کرد، معتقد است برای بهبود وضعیت اقتصادی و خروج از بحران معیشتی موجود باید سیاست‌های تعدیل ساختاری را کنار گذاشت و به آنچه در قانون اساسی آمده، پایبند بود. اومی گوید سیاست‌ها باید به سمت اصالت نیروی کار و حذف اصالت پول حرکت کند. گفت‌وگوی خبرگزاری کار ایران (ایلنا) با این اقتصاددان در ادامه می‌آید.

بحران معیشتی امروز جامعه ناشی از چیست و دولت آینده برای بهبود وضعیت معیشت کارگران و اقشار ضعیف جامعه چه اقداماتی باید انجام دهد؟

باید توجه داشته باشیم که در کوتاه‌مدت نمی‌توان کاری انجام داد اما به طور کلی بهبود وضعیت کارگران و اقشار ضعیف جامعه منوط به اتخاذ سیاست‌هایی است که در میان مدت

خبر



رئیس اتحادیه صنف حمل و نقل بار سبک شهری و پیک موتوری گفت: شیوع کرونا باعث بسته شدن تعدادی از دفاتر پیک موتوری شده و بسیاری از راننده‌ها نیز بیکار شده‌اند. تاکنون حداقل ۱۵ هزار راننده بیکار شده و بسیاری از این تعداد وسیله نقلیه خود را فروخته و دیگر شغلی ندارند.

به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی و پایش آثار اقتصادی

تاثیر گذار باشد. به عنوان مثال در خصوص کارگران باید از طریق اصلاح نظام پولی اقدام کرد، به این معنا که با حذف بهره را با از فعالیت‌های پولی، قیمت سرمایه را پایین آورد تا دستمزد کارگر در مقایسه با بهره پول افزایش پیدا کند. در واقع سیاست‌ها باید به سمت اصالت نیروی کار و حذف اصالت پول حرکت کند. در شرایط فعلی، پول بازدهی خود را به صورت بهره و به نحوی مطمئن دریافت می‌کند اما این کارگر است که به محض کوچک‌ترین اختلالی در امر تولید، حقوقش به تعویق می‌افتد یا تهدید به اخراج می‌شود. بنابراین باید از طریق اصلاح سیاست‌هایی که در آن به پول اصالت داده نشود، اقدام کرد تا ثمره آن بر افزایش دستمزد کارگران نسبت به بهره پول دیده شود.

یکی از مشکلات کارگران عدم تعیین حقوق براساس سبد معیشت و نرخ تورم واقعی است. اجرای قانون در تعیین حداقل دستمزد تا چه اندازه مشکلات کارگران را کاهش می‌دهد؟

تعیین حداقل دستمزد متناسب با نرخ تورم و سبد معیشت براساس قانون جزو حقوق کارگران است و در آن تردیدی نیست. از طرف دیگر اقتصاد ملی ما در رکود به سر می‌برد و انگیزه‌های تولید و سرمایه‌گذاری به واسطه بالا بودن نرخ بهره و ربا و تورمی که وجود دارد، پایین است. در نتیجه بین تأمین دستمزد متناسب برای نیروی کار و مسائل و شرایطی که بر تولیدکنندگان می‌گذرد، ناسازگاری به وجود آمده است. در این شرایط برای اینکه بخواهیم به نیروی کار بپردازیم باید به نیروهای تولیدی فشارهایی وارد شود و احتمالاً در مواردی برعکس. راه‌حل این است که در بلندمدت به گونه‌ای حرکت کنیم که این ناسازگاری از بین برود.

است. یعنی با اتخاذ سیاست‌های درست و سیستمی، می‌توان این مشکل را در میان مدت حل کرد.

به اتحاد سیاست‌های بلندمدت برای بهبود وضعیت معیشتی اقشار ضعیف جامعه اشاره کردید. آیا می‌توان سیاست‌هایی مثل پرداخت یارانه را اقدامی مناسب در کوتاه‌مدت برای بهبود مقطعی وضعیت این اقشار دانست و اهمیت هدفمندسازی یارانه‌ها در دولت آینده تا چه اندازه است؟

وقتی به بیش از ۷۰ میلیون نفر یارانه پرداخت می‌شود، یعنی پرداخت یارانه‌ها هدفمند نیست. من در هنگام شروع طرح هدفمندی یارانه‌ها مخالف پرداخت یارانه نقدی بودم اما الان با آن مخالف نیستم. به این خاطر که زندگی ده‌میلیون انسان که در شرایط نامناسب اقتصادی هستند، به همین اندک یارانه وابسته است. باید قانون پرداخت یارانه‌ها را اصلاح کرد، به این صورت که در ابتدا یارانه نقدی به طور مطلق برای همه قطع شود و بعد اعلام شود کسانی که می‌توانند ضرورت حمایت اجتماعی از خود را ثابت کنند، متقاضی دریافت یارانه شوند. یعنی افرادی که یا در آمد ندارند یا نسبت به حداقل هزینه‌های زندگی خود دچار کسری درآمد هستند، یارانه بگیر شوند.

فکر می‌کنم بین ۳۰ تا ۴۰ میلیون نفر به این صورت، نیازمند دریافت یارانه تشخیص داده شوند. دولت باید یارانه را به افرادی که درآمد ندارند به اندازه حداقل هزینه‌های زندگی و به آنها که کسری دارند به اندازه‌ی کسری آنها، پرداخت کند. بنابراین دولت باید با حذف یارانه دهک‌های بالای جامعه، منابع موجود را بین آن‌ها که نیازمندتر هستند، توزیع مجدد کند.

صرف پرداخت یارانه را می‌توان سیاست حمایتی دولت از اقشار ضعیف جامعه دانست و آیا دولت توان انجام حمایت‌های اجتماعی دیگر به نفع اقشار ضعیف جامعه را دارد؟

حمایت اجتماعی شامل مواردی می‌شود که اصطلاحاً به آنها نیازهای اساسی می‌گویند که در بند یک اصل ۴۳ قانون اساسی آمده است. البته واقعیت‌ها را نباید نادیده گرفت. در حال حاضر و با توجه به شرایط موجود امکان زیادی

برای دولت باقی‌مانده تا بتواند به همه نیازها رسیدگی کند. منطقاً متناسب با امکاناتی که وجود دارد، باید ضعیف‌ترین اقشار جامعه مورد حمایت قرار بگیرند مشروط بر اینکه این حمایت‌ها، آنها را دچار بیکاری یا تبذیلی نکند. نباید وعده و وعیدی مازاد بر امکانات موجود داد.

با این اوصاف، انجام اقداماتی اساسی در خصوص تأمین اجتماعی فراگیر و فراهم کردن بستر حمایت‌های اجتماعی در زمینه تأمین مسکن، آموزش و درمان غیر ممکن است؟

باید این موارد را از هم تفکیک کنیم. مثلاً مسأله مسکن با آموزش عمومی یا بهداشت و درمان فرق دارد. برای آموزش، دولت‌ها موظف به تأمین امکانات هستند اما طبق اصل ۳۱ قانون اساسی برای مسکن موظف هستند زمینه‌ها را فراهم کنند. فراهم کردن زمینه یعنی راه‌اندازی تولید برای اینکه مصالح ساختمانی ارزان‌تری تولید شود، یعنی حذف یا کاهش بهای زمین که در شهرهای کوچک مقدور است یا حذف بهره بانکی از تسهیلات. دولت وقتی این کارها را انجام دهد به طور طبیعی زمینه ساخت مسکن برای افراد و انبوه‌سازان را فراهم کرده است. بنابراین باید نیازها را تفکیک و متناسب با هر کدام و مطابق با قانون اساسی اظهار نظر کرد. در مجموع بدهی است که دولتی که در بدوچه سال ۱۴۰۰ اعلام کرده ۲۲۰ هزار میلیارد تومان کسری تراز عملیاتی دارد که به نظر من در عمل بیشتر از اینها خواهد بود، به لحاظ مالی دولت ضعیفی است و نمی‌تواند این نیازها را پاسخگویی کند. به اعتقاد من با رونق اقتصاد ملی بسیاری از مسائل حل می‌شود. دولت باید با سیاست‌هایی که اتخاذ می‌کند، اقتصاد ملی را راه‌اندازی کند. با رونق اقتصاد ملی، اشتغال ایجاد می‌شود،

هنگام شروع طرح هدفمندی یارانه‌ها مخالف پرداخت یارانه نقدی بودم اما الان با آن مخالف نیستم به این خاطر که زندگی ده‌ها میلیون انسان که در شرایط نامناسب اقتصادی هستند، به همین اندک یارانه وابسته است

در آمد به وجود می‌آید و مردم با درآمد خود به نحوی که کرامشان هم حفظ می‌شود، می‌توانند زندگی خود را اداره کنند اما در شرایطی که مادر آن هستیم، راه‌اندازی چنین اقتصادی، نیازمند برنامه‌ای بین پنج تا ده ساله است.

به نظر شما تحریم‌ها چقدر در وضعیت و بحران معیشتی امروز ما اثر گذار است؟

تحریم‌ها در اقتصاد ایران اثر دارد اما اینکه تأثیرگذاری آن موجب توقف اقتصاد ملی شود خیر و در این حد نیست. اقتصاد ملی ما اقتصاد ۸۵ میلیون نفره با سرزمین بسیار وسیعی است که تفاوت درجه حرارت در آن گاهی تا ۳۷ یا ۳۸ درجه از نقطه‌ای به نقطه‌ای دیگر است. این اقتصاد به مثابه کشتی عظیمی است. هر چند امواج تحریم ممکن است تکان‌هایی به این کشتی بدهد اما نمی‌تواند آن را واژگون کند. مهم این است که ضمن اینکه یک لحظه را برای کاهش تحریم از دست ندهیم، به استفاده از قابلیت‌ها و امکانات داخلی بپردازیم. شکمی نیست که اگر تحریم نباشد، سرعت ما بیشتر و زمان رسیدن به هدف کوتاه‌تر خواهد شد.

به عنوان سؤال آخر، چه چشم‌اندازی برای بهبود وضعیت اقتصادی و بحران معیشتی موجود می‌بینید؟

پاسخ این سؤال هم مثبت است و هم منفی. چنانچه سیاست‌های اقتصادی تعدیل ساختاری که در دولت‌های گذشته و از سال ۶۸ تا به الان حاکم است، ادامه پیدا کند، بی‌شک اوضاع بدتر خواهد شد اما اگر دولتی روی کار بیاید که در جهت تغییر بنیادین سیاست‌ها گام بردارد، هر چند که باید هزینه دوره تغییر را بپردازد اما با این وجود می‌توان به بهتر شدن تدریجی اوضاع امیدوار بود. به اعتقاد من سیاست‌های اقتصادی باید به آنچه در قانون اساسی آورده شده است، برگردد.



کرونا نیمی از وانت‌داران و پیک موتوری‌ها را بیکار کرد

باشد. بنابراین اقیانوس اشتغال ماشین‌روان خسته راننده‌های آخر شب می‌ماند. وی افزود: بیشتر راننده‌ها نتوانسته‌اند حتی یک ماه هم حق بیمه بدهند و باید جریمه پرداخت کنند. وقتی کار نیست پولی برای پرداخت هزینه مالیات و بیمه نمی‌ماند. البته دولت جریمه‌ها را بخشیده و گویا قرار است تسهیلاتی را هم در این باره به راننده‌ها و دیگر مشاغل بدهد که کمک خوبی است. محمدی ادامه داد: در این مدت بسیاری از دفاتر پیک موتوری بسته و بسیاری بیکار شده‌اند اما همچنان باید برای مالیات در آمدی که نداشته‌ایم با اداره مالیات مذاکره کنیم. امیدواریم دولت با حذف مالیات سال ۹۹ بیش از این به اصفاف کمک کند.



آسیب در بین کسب و کارها از آن عرصه پوشاک است اما آمارهای وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی حکایت دیگری دارد. مطابق این

آمار، بخش‌های تولید منسوجات با ۱۰۸ هزار و ۵۳۴ نفر کاهش و پوشاک ۵۵ هزار و ۷۰۷ نفر کاهش تعداد شاغلین تحت تأثیر کرونا حاصل از شیوع بیماری کرونا است. تعداد شاغلین بخش تولید میلان در بهار ۹۹ نسبت به بهار سال قبل ۲۷ هزار و ۷۵۶ نفر کاهش یافته است ولی در تابستان ۹۹ نسبت به تابستان سال قبل ۵ هزار و ۸۵۳ نفر افزایش یافته است.

یادداشت

کوچ اجباری کارگران به شرایطی پایین‌تر از خط فقر

حمیدرضا امام‌قلی‌نبار، بازرس مجمع عالی نمایندگان کارگران

موضوع تعیین حقوق و دستمزد هر ساله کارگران در شورای عالی کار، از مباحث داغ و با اهمیت ماه‌های پایانی سال است که از سوی ذینفعان آن به‌طور جدی پیگیری و رصد می‌شود. در حقیقت ذینفعان این موضوع کارگران، کارفرمایان و خانواده‌های آنان و دولت به‌عنوان بزرگ‌ترین کارفرما شامل می‌شود. از دلایل کاهش قدرت خرید و افزایش عقب‌ماندگی حقوق کارگران، استناد به نرخ تورم و سطح معیشت گذشته و تعمیم آمارهای این چنینی برای ۱۲ ماهه سال آینده است که به خودی خود از عوامل موثر این چالش است.



در چند ساله اخیر این فرآیند با چانه‌زنی‌های بسیار بین دولت و شرکای اجتماعی آن در حول و حوش ماده ۴۱ قانون کار که بر نرخ تورم و سطح معیشت تأکید دارد، صورت می‌پذیرد. اگر چه طی دو سه سال اخیر به دلیل توانمندی نمایندگان کارگران در شورای عالی کار مسیر جلسات به سمت مستندسازی و روشن شدن آنگاه دیگر طرفین شورای عالی کار سوق داده شد اما این وجود جبران عقب‌ماندگی مزدی کارگران و افزایش قدرت خرید آنان جهت سر به سر شدن در آمد و مخارج این قشر تاکنون میسر نشده است. به همین جهت این قشر هر ساله نه تنها به دهک‌های بالا سوق داده نمی‌شوند بلکه به واسطه سونامی‌های غیر قابل انکار افزایش تورم که هر چند سال گریبانگیر جامعه را می‌گیرد به پایین‌تر از خط فقر کوچ اجباری کرده‌اند.

از جمله دیگر دلایلی که باعث این عقب‌ماندگی مزدی در قشر کارگر شده است، ترکیب ناعادلانه شورای عالی کار است. از جهت ترکیب شور باید به این نکته استناد کرد که دولت با یک سوم (۳۳ نفر) حق رای باید به عنوان میانجی در این جلسات حضور پیدا کند اما به دلیل ماهیت کارفرمایی دولت، همراه گروه کارفرمایی که یک سوم (۳۳ نفر) دیگر آرا از آنهاست، قرار می‌گیرد و این کارگران هستند که همواره در بی‌تعیین حقوق و دستمزد حداکثری به ناچار به سمت اجماع رفته و تا حدود زیادی فضای دفاع از آنگاه آنها با محدودیت مواجه می‌شود.

اخبار کارگری

معاون اشتغال وزارت کار خبر داد:

ریش دومیلیون شغل در دوران کرونا

معاون اشتغال وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی از ریزش حدود دو میلیون شغل در دوران کرونا خبر داد. به گزارش ایسنا، آن‌طور که عیسی منصوری می‌گوید در دوران کرونا حدود دو میلیون شغل ریزش کرد که با پرداخت تسهیلات کمک شد نزدیک به یک میلیون و ۱۰۰ هزار شغل بازگشت مجدد به کار داشته باشند. وی درباره پرداخت مقرری بیمه بیکاری در ایام کرونا می‌گوید: حدود ۷۳۰ هزار نفر به طور اختصاصی مشمول دریافت بیمه بیکاری شدند که ۲۵۰ هزار نفر از آنها همچنان بیمه بیکاری دریافت می‌کنند لذا از این جهت نیازمند منابع جدید هستیم و امیدواریم برای سال ۱۴۰۰ حمایت‌ها از حوزه بازار کار و کسب و کارهای آسیب‌دیده تداوم داشته باشد.

توقف بیمه کارگران ساختمانی خلاف قانون است

بازرس کانون انجمن صنفی کارگران استان تهران از انتظار حدود ۸۰۰ هزار کارگر ساختمانی کشور برای قرار گرفتن تحت پوشش بیمه تأمین اجتماعی خبر داد و گفت: توقف بیمه کارگران ساختمانی خلاف قانون است. کاظم احمدی که به ایلنا گفت: در حالی که حدود ۸۰۰ هزار کارگر ساختمانی کشور در سامانه بیمه‌ای ثبت نام کرده و منتظر بیمه شدن هستند، از ابتدای سال گذشته (۹۹) سهمیه بیمه کارگران ساختمانی متوقف شده و هیچ مسئولی پاسخگوئی نیاز بیمه‌ای کارگران ساختمانی نیست. وی افزود: از سال ۸۷ که بیمه کارگران به صورت سهمیه‌ای اجرا شده، اکثر کارگران ساختمانی نتوانسته‌اند از خدمات بیمه‌ای تأمین اجتماعی استفاده کنند اما تعداد زیادی دیگری باقی مانده‌اند که در وضعیت بلا تکلیفی قرار دارند. به گفته این فعال صنفی، سهمیه بیمه کارگران ساختمانی عادلانه نبوده و تعداد قابل توجهی از سهمیه بیمه‌ای کارگران ساختمانی در گذشته به کارگران خارج از این صنف تعلق گرفته است.

کرونا، ۵۵ هزار و ۷۰۷ نفر از شاغلان صنعت پوشاک را کاهش داد

مواد اولیه، اجاره مغاز، دستمزد خیاط و سایر موارد تأثیر گذاشته است که نهایتاً باعث افزایش قیمت کالای نهایی شده که تناسب چندانی با قدرت خرید مصرف‌کننده ندارد. اگر چه آمارها حکایت از این دارد که بیشترین

باعث کاهش قدرت خرید مصرف‌کننده شده که نتیجه آن عدم وجود تقاضای کافی برای مقدار عرضه شده است. از طرف دیگر این تورم باعث افزایش هزینه‌های تولید عرضه‌کنندگان پوشاک نیز شده است. این افزایش هزینه تولید بر قیمت

آمارهای اقتصادی حکایت از این دارد که بیشترین آسیب‌ها از کرونا در بین کسب و کارها مربوط به بخش پوشاک است. به گزارش خبرگزاری تسنیم، شرایط اقتصادی از دو جهت باعث کساد بازار پوشاک شده: از طرفی تورم